

فرار از موصل

نام کتاب: فرار از موصل

مصاحبه و تدوین: حسین نیری

چاپ سوم: ۱۳۸۸

ناشر: تهران سوره مهر

قیمت: ۲۲۰۰ تومان

فرار از موصل، کتابی خواندنی و آموزنده برای همه افرادی است که به این آب و خاک مهر می‌ورزند؛ کتابی است بر مبنای خاطرات شفاهی اسیری به نام **محمد رضا عبدی** که برای حسین نیری روایت کرده است. در مقدمه این کتاب آمده است که: در یکی از روزهای بهمن سال ۷۹ در گفت‌وگویی با مسئول اداره جست‌وجوی مفقودین هلال‌احمر، سخنی از دو اسیر ایرانی به میان آمد که توانسته بودند در همان سال‌های ابتدای جنگ، از اردوگاه موصل فرار کنند و خود را به ایران برسانند. این دو نفر **زاگرس (مجید) میرانی** و **محمد رضا عبدی** نام داشتند...

در اسفند ماه همان سال، از طریق ستاد آزادگان کرمانشاه، محمد رضا عبدی را می‌یابند و مصاحبه شش روزه او مبنای تهیه کتاب مورد بحث می‌شود. در بخش انتهایی کتاب مصاحبه‌های نیز با یکی از زندانیان آزاد شده از اردوگاه انجام شده که وقایع پس از فرار این دو اسیر را، در اردوگاه موصل، تشریح می‌کند. از جنبه‌های ارزشمند این اثر، مثال‌های متعددی می‌توان بیان کرد به طوری که در مقدمه این گونه اشاره کرده است: «گروه تاریخ شفاهی دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری دخل و تصرفی محتوایی و معنایی را در خاطرات شفاهی مجاز نمی‌داند و تنها در مرحله بازنویسی، بدون وارد شدن

دکتر مهدی چوپینه

لطمه‌ای به لحن و شیوه بیان گوینده، اصلاحات و بازسازی ویرایشی را در آن اعمال نموده است.»

فرار از موصل، کتابی است در نوع خود بی‌نظیر که علاوه بر داشتن ویژگی‌های یک اثر ادبی، حاوی اطلاعات بی‌بدیلی است که در موضوعات مختلف می‌توان به آن استناد نمود. کل کتاب را به چهار بخش می‌توان تقسیم کرد:

۱. معرفی وضعیت پیش از شروع جنگ و شرایطی که مناطق غربی کشور در آن به سر می‌بردند تا زمان اسارت راوی؛

۲. مباحث مربوط به پس از اسارت و شرایط اولیه اسرایی که در عراق به سر می‌بردند و نحوه برخورد زندانبانان با اسرا به عنوان یک سند تاریخی؛

۳. بخش جذاب و هیجان‌انگیز فرار از اردوگاه و وقایعی که برای فراری‌ها تا رسیدن به ایران رخ داده است؛

۴. ورود به ایران و خاطرات یکی از باقی‌مانده‌ها در اردوگاه موصل پس از فرار اسرا.

تحلیل وضعیت اتفاقات رخ داده در هر یک از بخش‌های چهارگانه کار چندان ساده‌ای نیست و شاید در نهایت نیازمند فضایی به اندازه چهار جلد کتاب مستقل است تا حق مطلب به درستی ادا شود. با این حال سخن گفتن در مورد این کتاب برای نگارنده این سطور که خود تجربه حضور در

منطقه غرب را در همان دوران داشته و از اولین کسانی بوده که پس از آزادسازی قصر شیرین پا به آن شهر نهاده، تجدد خاطر آن روزهاست و این تجربه شاید بتواند در بازگشایی و رمزگشایی از این داستان کمکی به خواننده بنماید. یکی از محدود ضعف‌های این کتاب فقدان فهرست و نبود عنوان‌بندی مشخص به لحاظ زمانی و موضوعی است، به گونه‌ای که خواننده می‌بایست پیوسته مطالب قبلی را، بدون داشتن سرنخی، مکرر مرور کند تا خط سیر روایت را از دست ندهد.

بیست صفحه اول کتاب اطلاعاتی است که محمد رضا عبدی درباره زندگی خود قبل از وقوع انقلاب اسلامی، از جمله محل زندگی و وضعیت خانوادگی خود می‌دهد. پس از آن در چند صفحه شرایط پیش از وقوع جنگ و اوضاع شهر قصر شیرین را، در خلال روزهای ابتدای جنگ و نحوه اسارت خود، بیان می‌دارد. از صفحه ۲۸ تا ۹۰، شروع ماجرای اسارت اوست یعنی زمان فرار از اردوگاه که خود سندی معتبر در مورد وضعیت اسارتگاه‌های عراق است. عبدی نحوه برخورد زندانبانان، روابط بین اسرا، نحوه تغذیه و رفتار صلح‌بانان صلیب سرخ جهانی را به گونه‌ای شرح می‌دهد که خواننده تصویر قابل درک و روشنی از وضعیت اسرا را به دست می‌آورد. با همه این ویژگی‌ها، در لایه‌لای این صفحات بعضاً مواردی آمده است که ضرورتی به طرح آن‌ها نبوده و یا کمکی به روشن‌تر شدن ماجرا نمی‌کند اما شاید این مطالب به همان دلیل اولیه (پای‌بندی به اصل عدم

دخالت در متن روایت که در قبل به آن اشاره شد) نقل شده باشد. به عنوان مثال در دو صفحه متوالی (۲۵ و ۲۶) موضوعی را بیان می‌کند که خواننده را نسبت به آنچه تا بدین جا خوانده، مردد می‌نماید و این تردید در باور مطالب بعدی اثرگذار است. در صفحه ۲۵ می‌نویسد «بمباران مردم را خسته و عصبی کرده بود. کسی هم جرئت نمی‌کرد از شهر بیرون برود. فرمانداری قصر شیرین اعلام کرده بود که کسی حق خارج شدن از شهر را ندارد...» و در پاراگراف دوم صفحه بعد آمده «... موقع خارج شدن از شهر جلوی کسی را نمی‌گرفتند...!»

از جمله بخش‌های مهم این کتاب، موضوع عدم اطلاع مردم از وضعیت پیش آمده و محاصره قصر شیرین است «تا روز سوم فکر می‌کردیم آن‌ها در هیچ‌جا تحرک ندارند و قصر شیرین سقوط نمی‌کند... یک شب ما رادیو لندن را گرفتیم و شنیدیم که گوینده خبر می‌گوید قصر شیرین به محاصره کامل نیروهای عراقی درآمده است. ما زدیم زیر خنده و باورمان

نشد...» یا توضیح پاره‌ای از مطالب، رفتار نیروهای عراقی را در ذهن خواننده تطهیر می‌کند. مثلاً در انتهای پاراگراف دوم صفحه ۳۳ می‌نویسد؛ ... عده‌ای مثل زن‌ها، بچه‌ها و پیرمردهای بدحال را همان روزها آزاد کردند...» کتاب در ادامه به شرح وضعیت روزانه و خاطرات راوی از زندانیان در اردوگاه اسرا می‌پردازد که در نوع خود می‌تواند برای کسانی که با اوضاع دوران جنگ هشت ساله آشنایی ندارند جالب باشد. اما موضوع غم‌انگیز در صفحه ۵۱ این کتاب، رفتار هلال احمر کرمانشاه در انجام مأموریت و وظایف محوله سازمانی است. در جایی که نمایندگان صلیب سرخ جهانی و دیده‌بانان حقوق اسرا تلاش می‌کنند تا پس از تهیه آمار و ثبت اسامی اسرا در اردوگاه موصل، فرصت ارسال نامه را برای زندانیان فراهم کنند تا خانواده‌های آن‌ها را از نگرانی برهانند، چنین روایتی از قول این آزاده دردناک است. «... متأسفانه نامه‌های اولیه را که به این صورت فرستادم ایران، هلال احمر کرمانشاه به دست خانواده‌ها نرسانده بود. شاید نامه‌ها نداشتند تا نامه‌ها را تحویل خانواده‌ها بدهد!...»

روایت در ادامه جریان روانی را دنبال می‌کند، هر چند در یکی دو جا تکرار بعضی از مسائل حکایت از خستگی تدوین‌گر دارد. به عنوان مثال در صفحه ۴۲ به موضوع اعتصاب

غذای آزادگان اشاره دارد و مجدداً در صفحه ۷۰ همین موضوع را به گونه‌ای مطرح می‌کند که اولین اعتصاب غذای زندانیان محسوب می‌شود!

از نکات جالب اما پوشیده این روایت، کارآمد بودن «آموزش‌های مدرسه‌ای» است. راوی که در زمان اسارت محصل بوده در برخی جاها ردپایی از آموزش‌های تحصیلی خود را بر جای می‌گذارد. مثلاً در انتهای صفحه ۷۸ می‌گوید... برای فرار، یکی از مهم‌ترین وسایلی که نیاز داشتیم نقشه عراق بود باید می‌فهمیدیم اردوگاهی که در آن هستیم کجا واقع شده است. شهر موصل چه موقعیت جغرافیایی دارد و راه‌ها به چه شکلی است؟ یا در صفحه ۸۴ می‌گوید... بعد صحبت از قطب‌نما شد. محمود پیشنه‌ها داد که با سوزن، چوب‌پنبه و یک آهن‌ربا قطب‌نما درست کنیم. این موارد از جمله مطالبی است که آنان در کتاب‌های درسی خود آموخته بودند و حالا تجارب فردی هم به آن‌ها اضافه شده بود. همین گونه است انجام رقص گردی در داخل واکن باری قطار در زمان جابه‌جایی از زندان به اردوگاه برای جلوگیری از یخ‌زدن (صفحه ۴۳) و یا استفاده از ادرار برای رفع تشنگی به هنگام فرار (صفحه ۱۰۲).

در هر صورت کتاب فرار از موصل، روایتی ارزشمند از تاریخ دفاع مقدس ماست که علاوه بر ارزش‌های اسنادی آن، می‌تواند به عنوان یک کتاب آموزشی مکمل در آموزش‌های سربازان از آن بهره برد. این اثر کتابی است برای همه افراد، کتابی است حاوی دردها و رنج‌های دو اسیر ایرانی در اردوگاه‌های عراق که با تصمیم شجاعانه خود علاوه بر تحقیر دشمن، بر روحیه سایر آزادگان هم‌بند خود افزوده‌اند و باعث سربلندی و غرور جوانان ایرانی شده‌اند.

